

روی موج کوتاه

بقایب:

ادامه روند مذاکرات

با توجه به تحولات اخیر بررسی می شود

سختگویی وزارت خارجه در باره آخرین وضعیت مذاکرات برای خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا، گفت:با توجه به تحولات اخیر (آبادماد چهارشنبه) باید وضعیت جاری را بررسی کنیم. روند دیپلماتیک در خلا اتفاق نمی افتدو برای پیشبرد دهر فرایند دیپلماتیکی،نیازمندفضای حداقلی هستیید تا بتوان کار را پیش برد.«سماعیلبقایی»درحاشیه نشست‌اهدای نشان پارسی جان در پاسخ به پرسش ایر نادرباره اینکه،روند گفت‌وگو‌ها با امریکادر شرایطی که آتش بس مدام در حال نقض است،تا چه‌مانی ادامه پیدا خواهد کرد، گفت: «باید بررسی شود، دیپلماسی و میدان دو امر جدا هم نبوده‌و در امتداد و عرض یکدیگر برای صیانت از منافع وامنیت‌ایران هستند.»

□□□

سفر یک هیات قطری به تهران برای رایزنی خاتمه جنگ آمریکا

یک هیات از قطر چهارشنبه به تهران سفر کرد تا درخصوص روند دیپلماتیک برای خاتمه جنگ آمریکا، گفت‌و گو و رایزنی کنند.به گزارش ایسنا،گفته می‌شود در جریان این سفر،علاوه‌بر مباحث‌دوجانبه‌و تحولاتمنطقه‌راجعه‌به‌آخرین تحولاتمرتبط با روند دیپلماتیک برای خاتمه جنگ آمریکا نیز بحث و رایزنی می‌شود. یک دیپلمات آگاه از اوضاع نیز به فاکس نیوز گفت که پس از رایزنی با ایالات متحده،مذاکره کنندگان قطری برای دیدار با ایرانی‌ها به تهران سفر کردند تا در تلاشی برای رفع اختلافات باقی‌مانده در فرایند مذاکره باشند.همچنین منبع آگاه دیگری به رویترز گفت که مذاکره کنندگان قطری به تهران سفر کردند تا پس از رایزنی با واشنگتن،توافقی ارائه‌ای کنند.

□□□

مهاجرانی:

لایحه منع خشونت علیه زنان

در مسیر استرداد است

سختگویی دولت درباره سرانجام لایحه‌منع خشونت علیه‌زنان گفت: لایحه منع خشونت علیه زنان در مسیر استرداد است، به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت،فاطمه مهاجرانی، در حاشیه سومین آیین سوگ «امین ایران» اظهار کرد:یکی از موضوعاتی که دولت به‌طور جدی دنبال می‌کند،موضوع محله‌محوری است که در حال حاضر با توجه به اثری که مساجد می‌توانند داشته باشند،این امر که به‌عنوان محور اصلی در نظر گرفته شده‌اند،وی افزود:موضوعاتی نظیر آموزش،حمایت،بهداشت و درمان وسایر مسائل مرتبط،در این چارچوب به‌صورت کامل در حال طرحی است ووزارت کشور به‌همراه استانداری تهران اجرای این طرح را در یکی از مناطق آغاز کرده‌اند.

□□□

صادق زیبا کلام بازداشت شد

با اعلام جرم جدید و تشدید قرار نظارت قضایی، صادق زیباکلام صبح چهارشنبه بازداشت شد.در حال حاضر پرونده این فرد در دادسرای فرهنگ و رسانه مطرح رسیدگی است. به گزارش تسنیم، هفدهم خرداد بود که خبر تشدید قرار نظارت قضایی صادق زیباکلام در پی نقض قرار ممنوعیت هرگونه فعالیت رسانه‌ای وتولید محتوادر شبکه‌های اجتماعی رسانه‌ای شد. زیباکلام با وجود اعلام دادستانی تهران مبنی بر قرار نظارت قضایی با نقض این قرار، در مصاحبه‌ای اظهاراتی مطرح کرد که همین مصاحبه و ادعاهای مطرح شده در آن منجر به اعلام جرم علیه این فرد و تشدید قرار نظارت قضایی وی شد.

□□□

توقیف ۴۷ نفر در خراسان شمالی

رئیس کل دادگستری استان خراسان شمالی از شناسایی وتوقیف اموال ۴۷ نفر به‌انجام «خائنین به‌وطن»وفراد تاثیر گذار در شبکه‌های مجکاران دشمن در استان «به‌نفع حقوق عامه‌خبر داد، رضا براتی زاده، گفت: ۴ نفر از متهمان اخیر مقیم کشور آلمان، ۶ نفر مقیم انگلیس، ۲ نفر مقیم فرانسه، ۱۰ نفر مقیم ترکیه، ۵ نفر مقیم آمریکا، ۲ نفر مقیم کانادا، ۲ نفر مقیم ایتالیا، ۲ نفر مقیم استرالیا، ۲ نفر مقیم عمان ومابقی مقیم کشورهای دانمارک،اسپانیا،قطر،امارات،چین،اسکاتلند،فربرس،یونان، نیوزیلند و ... هستند که دستورهای لازم در راستای توقیف اموال آنها صادر شده‌است.

□□□

انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌ها حضوری برگزار می‌شود

عضو هیات رئیسه مجلس گفت انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌ها برای اجلاس سه سوم دوره دوازدهم در هفته دوم و سوم تیرماه و به صورت حضوری برگزار می‌شود.علیرضا سلیمی افزود:انتخابات هیات‌رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس در هفته دوم و سوم تیرماه برگزار خواهد شد و زمان برگزاری جلسات برای انتخابات طبق برنامه به کمیسیون‌ها اعلام می‌شود.به گفته‌وی، انتخابات هیات‌رئیسه کمیسیون آیین‌نامه داخلی قبل از هفته دوم تیرماه برگزار خواهد شد.

□□□

زاخاروا:

آماده کمک به حل درگیری با ایران هستیم

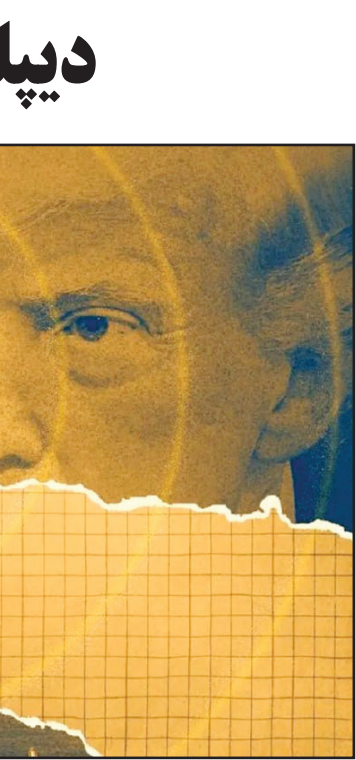
در پی تشدید درگیری‌ها از آبادماد چهارشنبه، سختگوی وزارت امور خارجه روسیه از ایران و آمریکا خواست تا از خود خویشنداری نشان دهند و حملات را متوقف کنند. ماریا زاخاروا، حمله به زیرساخت‌های «غیرنظامی» را «غیر قابل قبول» خواند و تاکید کرد که مسکو همچنان آماده کمک به یافتن راه‌حل‌هایی برای مناقشه با ایران است.

□□□

عبدالرحیم سلیمانی به ۶ سال حبس، جزای نقدی و خلع لباس محکوم شد

یک روحانی مقیم قاصدو حکم دادگاه اولیه (بدوی) به محکومیت عبدالرحیم سلیمانی اردستانی خبر داد. مجتبی لطفی از مسئولین دفتر مرحوم آیت‌الله منتظری در صفحہ‌ی شخصی خود نوشت: حکم دکتر عبدالرحیم سلیمانی صادر شد.شش سال حبس، جزای نقدی و خلع لباس روحانیت.بنابه گفته‌ی لطفی، «آقای سلیمانی گفته‌قدصداعتراض ندارد مگر در صورت تشکیل دادگاهی علنی. دکتر سلیمانی ظاهرا به‌واسطه تمام‌هست آنها نمی‌که متوجه می‌بود، محکوم شده‌است.» او سپس نوشته است: «با تجربه‌ای که من دارم احکام دادرسی ویژه روحانیت نسبت به سال‌ها گذشته تعدیل شده است. برای این عزیز و دیگر زندانیان آزروی آزادی وسرفرازی داریم و قطعا در این برهه حساس عدم محکومیت و آزادی زندانیان به آرامش و اعتماد بیشتر جامعه کمک خواهد کرد.»

نیهال فرخی



هنوز چند ساعت از انتشار خبر سقوط یک بالگرد آمریکایی در نزدیکی تنگه هرمز نگذشته بود که روایت‌های متناقض از راه رسیدند. دستگاه دیپلماسی ایران هر گونه نقش مستقیم در حادثه را رد کرد، رسانه‌های نزدیک به نهادهای نظامی از نبود عملیات هجومی سخن گفتند و برخی مقام‌های رسمی بر ضرورت ادامه مسیر دیپلماسی تاکید کردند.

اماد همان زمان، یک مقام پارلمانی بر دست آن رزمنده‌ای که در تنگه هرمز «هلیکوپتر آمریکایی راسرنگون کرده» بوسه زد و وعده تجلیل از او را داد. همین چند جمله کافی بود تا بار دیگر پرسشی قدیمی در فضای سیاسی ایران زنده شود؛ چرا در حساس‌ترین پرونده‌های امنیتی و سیاست خارجی، صدای واحدی از درون حاکمیت شنیده نمی‌شود؟

حادثه‌ای که فراتر از یک رخداد نظامی شد

در نگاه نخست، ماجرای بالگرد آمریکایی صرفاً یک رخداد نظامی به نظر می‌رسید. رسانه‌های آمریکایی از سقوط یک بالگرد آ آچبی در نزدیکی تنگه هرمز خبر دادند. ساعاتی بعد مقام‌های نظامی آمریکا اعلام کردند که به دستور دونالد ترامپ، عملیات پاسخ محدود علیه‌اهدافی در ایران آغاز شده است. واشنگتن مدعی بود این عملیات واکنشی به اقدام ایران علیه بالگرد آمریکایی است. در سوی دیگر، تهران مسیر متفاوتی را در پیش گرفت و معاون وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با الجزیره تاکید کرد که ایران پشت این حمله نبوده و هیچ هدف‌گیری عمدی علیه بالگرد آمریکایی صورت نگرفته است.

تقریباً همزمان، تسنیم نیز به نقل از یک منبع نظامی اعلام کرد که طی ۲۴ ساعت گذشته هیچ عملیات هجومی هوایی در تنگه هرمز انجام نشده است.

از منظر دیپلماتیک، این مواضع کاملاً قابل فهم بود. پذیرش رسمی مسئولیت حمله به یک بالگرد آمریکایی، آن هم در شرایطی که آتش بس منطقه‌ای همچنان شکستنده است، می‌توانست مسیر حوادث را به سمت یک رویارویی گسترده‌تر سوق دهد و به همین دلیل، دستگاه دیپلماسی و بخش مهمی از ساختار رسمی کشور تلاش کردند روایت حادثه را در چارچوب کنترل تنش مدیریت کنند، اما ماجرا به همین جا ختم نشد.

یک توتیب و آغاز یک جنجال

اماد حالی که روایت رسمی بر نقش مستقیم ایران استوار شده بود، ناگهان ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

گفت و گو

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس:

عضو کمیسیون امنیت ملی از تلاش برای تشکیل یک کمیته حقوقی بین‌المللی درباره تنگه‌هرمز خبر داد. فداحسین مالکی، در گفت‌گویی با «انتخاب» بیان کرد: موضوع تنگه هرمز از همان روزهای اول یکی از موضوعات مهم و تاثیر‌گزار ی بود که هیچ‌موقع از دستور کار کمیسیون امنیت ملی مجلس خارج نشد. علی‌رغم اینکه برخی از دستگاه‌ها نظرشان بر این بود که در شورای عالی امنیت ملی در شعام مطرح شود، اما اظهار این موضوع باید قانون باشد.

خبر

ترامپ به فاکس نیوز:

به دستور حملات جدید علیه نیروگاه‌ها و پل‌های ایران نزدیک شده‌ام



رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگو به فاکس نیوز، گفت: به صدور دستور برای حمله‌های جدید به نیروگاه‌ها و پل‌های ایران نزدیک شده‌ام.

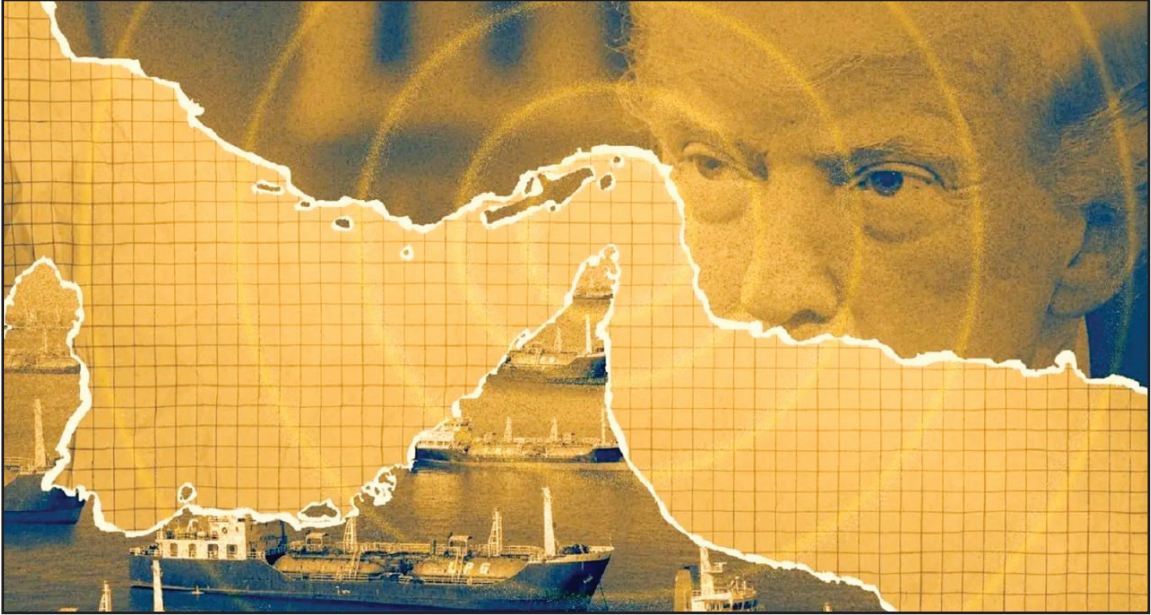
دونالد ترامپ، ادامه داد: کارم هنوز با ایران تموم نشده‌ام!

نوع ایرانی

toseeirani.ir

از تکذیب تا دست‌بوسی رزمنده سرنگون‌کننده بالگرد؛ چه مرجعی مسئول سخن گفتن به نام جمهوری اسلامی است؟

دیپلماسی در میدان مسابقه انقلابی‌گری



از پرونده هسته‌ای تا موز

مجلس، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دست آن رزمنده‌ای که در تنگه‌هرمز هلیکوپتر آمریکایی را سرتگون کرد می‌بوسم.» این جمله کوتاه تقریباً تمام تلاش‌های صورت گرفته برای ایجاد یک روایت واحد را تحت تأثیر قرار داد. اگر ایران نقشی در حادثه نداشته است، این تمجید بر چه اساسی صورت گرفته و اگر چنین اقدامی انجام شده، چرا دستگاه دیپلماسی روایت متفاوتی ارائه می‌کند؟ پرسش‌ها تنها به افکار عمومی داخلی محدود نماند. برای اظهار نظر خج نیز این تناقض معنای خاص خود را داشت. در سیاست بین‌الملل، گاهی رخداد حادثه کمتر از پیام‌هایی که پس از آن مخابره می‌شود اهمیت دارد. آنچه طرف مقابل از مجموعه اظهارات برداشت می‌کند، می‌تواند بر محاسبات امنیتی و سیاسی او تأثیر‌بخندار. در برخی مدافعان این سخنان نماینده مجلس اما معتقد هستند سخنان یک نماینده یا یک مقام پارلمانی را نباید معادل موضع رسمی کشور دانست. البته که این گزاره از نظر حقوقی درست است. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی نه فرامنده نظامی است و نه مسئول سیاست خارجی کشور؛ اما مسئله اصلی جای دیگری قرار دارد.

وقتی یک کشور در گیر بحرانی امنیتی است، مخاطبان خارج لزو ما میان همه سطوح قدرت تفکیک قائل نمی‌شوند. آن‌ها مجموعه پیام‌های صادرشده از تهران را کنار هم قرار می‌دهند و بر اساس آن قضاوت می‌کنند. در چنین شرایطی، هر اظهار نظر تحریک‌آمیزی می‌تواند به بخشی از تصویر کلی تبدیل شود. تصویری که گاه اثر آن از بیانه‌های رسمی نیز بیشتر است.

سیاست داخلی در سایه سیاست خارجی

ماجرای اخیر را نمی‌توان بدون توجه به فضای سیاست داخلی ایران تحلیل کرد. در سال‌های اخیر، هر گاه موضوع مذاکره، تنش‌زدایی یا توافق در میان بوده، بخشی از جریان‌های سیاسی تلاش کردند خود را در جایگاه مدافع «مقاومت حداکثری» تعریف کنند.

در این چارچوب، گاهی نوعی رقابت سیاسی شکل می‌گیرد؛ رقابتی که در آن بازیگران مختلف می‌کوشند اریکال‌تر، انقلابی‌تر و تندتر از دیگران به‌نظر برسند. در چنین فضای، موفقیت دیپلماسی الزاماً برای همه نیروهای سیاسی خیر خوبی تلقی نمی‌شود، چرا که بخشی از سرمایه سیاسی برخی جریان‌ها دقیقاً بر مبنای مخالفت با سازوکار‌های دیپلماتیک و نمایش رویکرد تهاجمی‌تر شکل گرفته است. به همین دلیل است که هر بحران خارجی، علاوه بر ابعاد امنیتی، به میدان رقابت‌های داخلی نیز تبدیل می‌شود؛ رقابتی که گاه قواعد آن با الزامات سیاست خارجی همخوانی ندارد.

که در رقابت‌های درون‌جنحی و کسب اعتبار سیاسی به کار می‌آید. مشکل اما آن است که هزینه چنین موضعی را معمولاً گویندگان آن پرداخت نمی‌کنند. هزینه اصلی بر دوش دستگاه دیپلماسی، نهادهای امنیتی و در نهایت کل کشور قرار می‌گیرد؛ نهادهایی که باید تبعات بین‌المللی هر جمله و هر پیام را مدیریت کنند.

دو منطق متفاوت در اداره بحران

اما در ماجرای اخیر، به نظر می‌رسد دو منطق متفاوت در کنار یکدیگر فعال بودند.

منطق نخست، منطق مدیریت بحران است. این رویکرد تلاش می‌کند سطح تنش کنترل شود، کانال‌های ارتباطی بازماند و هیچ حادثه‌ای به نقطه آغاز یک درگیری بزرگ‌تر تبدیل نشود. مواضع وزارت امور خارجه، سخنان عباس عراقچی و حتی برخی روایت‌های منتشرشده در رسانه‌های نزدیک به نهادهای نظامی را می‌توان در این چارچوب فهمید. اما در مقابل، منطق دیگری نیز وجود دارد؛ منطقی که بر نمایش قدرت، ادبیات تقابلی و بر جست‌وسازی مؤلفه‌های بازدارندگی استوار است.

این رویکرد نیز در جای خود بخشی از سیاست امنیتی کشور محسوب می‌شود، اما زمانی که بدون هماهنگی با راهبرد کلان کشور و در میانه پیام‌های متناقض منجر شود، موضوع اصلی دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود؛ جایی که دو منطق متفاوت بدون وجود یک اتاق فرمان رسانه‌ای واحد، هم‌زمان در فضای عمومی ظاهر می‌شوند.

نقش رسانه‌ها در تشدید آشفتگی

در بحران اخیر اما صرفاً اظهارات سیاسی مساله‌ساز نبود. بخشی از آشفتگی نیز به نحوه پوشش رسانه‌ای بازی می‌گشت. از زیر نویس‌های تلویزیونی گرفته تا روایت‌های متفاوت منتشرشده در خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از پیام‌های گاه متناقض در مدت زمانی کوتاه به جامعه مخابره شد. در جهان امروز، بحران‌های امنیتی تنها در میدان نظامی مدیریت نمی‌شوند. بخش مهمی از آنها در میدان روایت‌ها شکل می‌گیرند. هر چه روایت رسمی منسجم‌تر باشد، امکان مدیریت بحران بیشتر خواهد بود. در مقابل، هر چه تعداد روایت‌های متناقض افزایش پیدا کند، فضای بیشتری برای گمانه‌زنی، شایعه و سوء برداشت ایجاد می‌شود. به همین دلیل است که بسیاری از کشورها در شرایط بحرانی، سختگویی واحد، هرگز اطلاع‌رسانی واحد و خطوط فرمان‌رسانه‌ای مشخص تعریف نمی‌کنند.

هدف از این کار سانسور اطلاعات نیست؛ بلکه جلوگیری از ارسال پیام‌های متعارض در لحظات حساس است. اما چرا این چندصدایی تکرار می‌شود؟ شاید مهم‌ترین پرسش همین باشد.

چرا با وجود تجربه‌های متعدد، همچنان در بزنگاه‌های حساس شاهد روایت‌های متناقض هستیم؟ پاسخ را احتمالاً باید در ساختار پیچیده قدرت در ایران جست‌وجو کرد. سیاست خارجی و امنیت ملی در ایران محصول فعالیت یک‌نهاده‌واحد نیست. دولت، مجلس، نهادهای نظامی، رسانه‌های رسمی و مجموعه‌ای از بازیگران سیاسی و رسانه‌ای در شکل‌گیری فضای عمومی نقش دارند. در چنین ساختاری، اگر سازوکار مؤثری برای هماهنگی وجود نداشته باشد، طبیعی است که صداهای مختلف به گوش برسد. اما نکته مهم آن است که در شرایط عادی، چندصدایی می‌تواند بخشی از حیات سیاسی باشد؛ در شرایط بحران امنیتی، همین چندصدایی ممکن است به یک نقطه‌ضعف تبدیل شود؛ زیرا طرف مقابل در حال تحلیل نیازها و تصمیم‌های واقعی کشور است و هر پیام متناقض می‌تواند محاسبات او را تغییر دهد.

شماره ۲۲۰۰/ پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۵/ ۲۵ ذوالحجه ۱۴۴۷/ ۱۱ ژوئن ۲۰۲۶

ممکن است در درون ساختار سیاسی در باره نحوه مواجهه با آمریکا، مذاکره، بازدارندگی یا سیاست منطقه‌ای اختلاف‌نظر وجود داشته باشد؛ اما زمانی که بحران آغاز می‌شود، آنچه اهمیت پیدا می‌کند توانایی تصمیم‌گیری برای ارائه یک موضع واحد است و حادثه تنگه هرمز بار دیگر نشان داد که خطر همیشه از بیرون مرزها آغاز نمی‌شود

تجربه‌ای که بارها تکرار شده است

ماجرای بالگرد آمریکایی اولین نمونه از این وضعیت نیست. در سال‌های گذشته نیز بارها شاهد بوده‌ایم که هم‌زمان با تلاش دولت‌ها برای پیشبرد مذاکرات یا کنترل تنش‌های منطقه‌ای، بخشی از فضای سیاسی کشور در جهت دیگری حرکت کرده است. گاه این اختلاف‌ها در قالب نقدهای سیاسی مطرح شده‌اند و گاه در قالب موضعی که عملاً پیام متفاوتی به خارج از کشور اراقی کرده‌اند. در همه این موارد، یک پرسش ثابت باقی مانده است که آیا هدف از این موضع‌گیری‌ها یکی به افزایش قدرت چانه‌زنی کشور است یا کسب امتیاز در رقابت‌های سیاسی داخلی؟

پاسخ به این پرسش البته ساده نیست، اما تجربه نشان می‌دهد که مرز میان منافع جنحی و منافع ملی در شرایط بحرانی باید روشن‌تر از همیشه باشد.

از سوی دیگر اشتباه است اگر تصور شود پیامد چنین تناقض‌هایی صرفاً متوجه روابط ایران و آمریکا می‌شود. امروزه بازیگران متعددی در حال رخده تحولات منطقه هستند؛ از کشورهای عربی حاشه خلیج فارس گرفته تا اروپا، روسیه و چین؛ و همه این بازیگران تلاش می‌کنند بفهمند تصمیم نهایی در تهران چگونه گرفته می‌شود و چه کسانی سختگویی واقعی سیاست رسمی کشور هستند. هر چه این تصویر مبهم‌تر باشد، پیش‌بینی رفتار ایران دشوارتر می‌شود و همین امر می‌تواند بر روابط دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی کشور تأثیر بگذارد.

حال نیز در شرایطی که ایران هم‌زمان درگیر پرونده‌های مهمی چون مذاکرات، مدیریت آتش‌بس شکننده منطقه و چالش‌های اقتصادی داخلی است، هر گونه ابهام اضافی می‌تواند هزینه‌های غیر ضروری تولید کند.

امنیت ملی و ضرورت یک صدای واحد

شاید مهم‌ترین درس ماجرای اخیر همین باشد که موضوع اصلی نه سقوط یک بالگرد آمریکایی است و نه حتی اختلاف‌نظر میان چند مقام سیاسی؛ مساله اصلی آن است که در لحظات حساس امنیتی، کشور نیازمند یک روایت منسجم و یک پیام روشن است.

ممکن است در درون ساختار سیاسی درباره نحوه مواجهه با آمریکا، مذاکره، بازدارندگی یا سیاست منطقه‌ای اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ امری که در هر نظام سیاسی طبیعی است اما زمانی که بحران آغاز می‌شود، آنچه اهمیت پیدا می‌کند توانایی نظام تصمیم‌گیری برای ارائه یک موضع واحد است.

حادثه تنگه هرمز بار دیگر نشان داد که خطر همیشه از بیرون مرزها آغاز نمی‌شود. گاهی بخشی از چالش در درون میدان سیاست شکل می‌گیرد؛ جایی که رقابت برای انقلابی‌تر دیده شدن، رادیکال‌تر سخن گفتن و کسب امتیاز در منازعات داخلی، می‌تواند بر الزامات مدیریت یک بحران واقعی سایه بیندازد. در نهایت، شاید مهم‌ترین پرسش پس از این ماجرا نه این باشد که چه کسی بالگرد را زد یا نزد؛ بلکه این باشد: در شرایطی که هر کلمه می‌تواند بر سرنوشت یک بحران اثر بگذارد، چه کسی مسئول حفظ انسجام روایت رسمی کشور است و چرا هنوز پاسخ روشنی برای این پرسش وجود ندارد؟



چند گام از میز مذاکره فاصله می‌گیرد. آمریکا اگر به دنبال مذاکره است نباید آتش بس را نقض کند.

خبر

قالیباف:

به هر تجاوزی با قاطعیت و بی درنگ پاسخ می‌دهیم

کرد؛ با وجود شهادت فرماندهان و دانشمندان، نه حرکت علم و دانش متوقف شد و نه توان دفاعی و بازدارندگی کشور کاهش یافت؛ و به هر تجاوزی نیز با قاطعیت و بی‌درنگ پاسخ داده می‌شود. در پیام قالیباف آمده است: سرداران مقتدر و مجاهدی که در کنار دانشمندان از جان گذشته‌ای، چون دکتر فریدون عباسی، دکتر محمد مهدی طهرانچی و جمعی از دلاوران عرصه علم و دانش، زودتر از آنچه انتظار می‌رفت، مارتها گذاشتند. خواست پروردگار متعال آن بود که ایران سرفراز، بی‌حضور این عزیزان نیز مسیر خود را ادامه دهد و در برابر دشمنان بایستد؛ و امروز نیز پیروزی نهایی در پیش است و این نبرد همچنان ادامه دارد. اکنون ستاره‌های درخشان آسمان ایران بار دیگر راه را به ما نشان می‌دهند و ما را در مسیر فرمایشات هبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی حسینی خنمانی (مدظله‌العالی) هدایت می‌کنند.



رئیس مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: ایران به هر تجاوزی با قاطعیت و بی‌درنگ پاسخ می‌دهد. محمد باقر قالیباف در پیامی به آیین گرامی‌داشت شهدای اقتدار، سالروز شهادت فرماندهان و دانشمندان و تعدادی از هم‌وطنان مان در جنگ دوازده‌روزه تاکید